



حیات

حیات مقابل **مَمات** است. از آن به مناسبت در بسیاری از ابواب **فقه نظیر طهارت، حج، وصیت، نکاح، استیلا، اطعمه و اشربه، ارث و دیات** سخن رفته است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنی حیات
- ۲ - اهمیت حفظ حیات
- ۳ - اشتراط حیات در مجتهد
- ۴ - نیابت از زنده
- ۵ - حیات نوزاد
- ۶ - حیات غایب
- ۷ - دیگر احکام
- ۸ - مقالات مرتبط
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

معنی حیات

حیات به معنی زیست، **زنده** بودن و مقابل **مَمات** می‌باشد.

اهمیت حفظ حیات

حفظ حیات خود و هر نفس محترمی **واجب** و زیان رساندن به آن **حرام** است. در قرآن کریم از خودکشی^[۱] و قتل هر نفس محترمی،^[۲] بلکه در معرض **هلاکت** قرار دادن آن، **نهی و نکوهش**^[۳] و **فلسفه تشریح حکم قصاص**، بقای حیات انسانها ذکر شده است.^[۵] حیات آدمی از چنان اهمیتی برخوردار است که هرگاه ترک **حرام** یا فعل **واجبی** با آن تراحم پیدا کند برای حفظ حیات، **ارتکاب حرام** و ترک **واجب مشروعیت** می‌یابد، مانند مشروعیت خوردن یا نوشیدن آنچه در **شرع حرام** است در حال **اضطرار**^[۶] و ترک **حج** در صورت بیم بر **جان** خود یا نفس محترمی دیگر.^[۷] [۸] [۹]

اشتراط حیات در مجتهد

از شرایط **مجتهد** در **تقلید** ابتدایی بنا بر **مشهور زنده** بودن او است؛ لیکن در **جواز بقا** بر تقلید مجتهد پس از **مرگ** وی اختلاف است؛ بسیاری آن را **جایز** دانسته‌اند.^[۱۰] [۱۱] [۱۲]

نیابت از زنده

نیابت از **مکلف زنده** در **واجبات**، از قبیل **نماز و روزه**- حتی در فرض ناتوانی او در به جا آوردن آنها- صحیح نیست،^[۱۳] مگر **حج** که در صورت **استقرار** آن بر **ذمه** و عدم توانایی مکلف بر انجام دادن آن و یأس از برطرف شدن **عذر** تا آخر عمر، فردی دیگر می‌تواند آن را به نیابت وی انجام دهد. و چنانچه پس از انجام دادن نایب، **عذر مکلف** برطرف شود بنا بر **مشهور واجب** است خود، آن را به جا آورد.^[۱۴] [۱۵] نیابت از فرد زنده در مستحباتی که نیابت پذیرند و مباشرت در آنها شرط نیست، صحیح است.^[۱۶] [۱۷]

حیات نوزاد

از نشانه‌های حیات **نوزاد** گریه کردن او پس از **تولد** است. نوزادی که زنده متولد شده است، هرچند بعد از آن بمیرد از **مورث** خود **ارث** می‌برد.^[۱۸] **وصیت** برای **جنین** در شکم **مادر** صحیح است؛ لیکن استقرار آن منوط به زنده متولد شدن او است.^[۱۹] بنا بر قول منسوب به مشهور بر کودکی که زنده متولد شده سپس مرده است خواندن **نماز میت مستحب** است.^[۲۰] از شرایط آزاد شدن **امّ و ولد** پس از **مرگ** مولا این است که فرزند وی تا زمان مرگ مولا **زنده** باشد.^[۲۱]

حیات غایب

غایبی که معلوم نیست زنده است یا **مرده**، نزدیکان او بنا بر **مشهور** از وی **ارث** نمی‌برند، مگر آنکه مرگش با **بینه** یا **خبر علم‌آور** ثابت گردد، یا متناسب با **سن**

دیگر احکام

تذکیه ماهی به زنده گرفتن آن از آب است؛ [۲۳] از این رو، خوردن ماهی زنده پس از گرفتن آن از آب بنا بر مشهور جایز است؛ چون تذکیه محقق شده است. [۲۴]

همچنین تذکیه **ملخ** به زنده گرفتن آن است. [۲۵] شرط تحقق ذبح، زنده بودن ذبیحه هنگام ذبح است و در موارد مشتبه بودن حیات، چنانچه پس از ذبح حرکتی که گویای حیات باشد- مانند برهم زدن چشمها- از حیوان سر بزند، حکم به زنده بودن آن می‌شود.

هرچند بسیاری هنگام ذبح **استقرار حیات** را شرط دانسته‌اند. [۲۶]

رضاع در صورتی موجب **محرمیت** می‌شود که **کودک** به مقداری که موجب محرمیت می‌گردد از زن زنده شیر بخورد. [۲۷]

بنا بر قول برخی در **نیوت ولایت** جدّ پدری بر **باکره** در **عقد ازدواج**، زنده بودن **پدر** شرط است؛ لیکن معروف میان **فقاها** عدم اشتراط آن است. [۲۸]

مقالات مرتبط

- حیات طیبه
- حیات در قرآن و حدیث
- حیات در فلسفه

پانویس

۱. ↑ النساء/۴، آیه ۲۹. [۲۹]
۲. ↑ الاسراء/۱۷، آیه ۲۸۵. [۳۰]
۳. ↑ النساء/۴، آیه ۹۳. [۳۱]
۴. ↑ البقرة/۱، آیه ۹۵. [۳۲]
۵. ↑ البقرة/۱، آیه ۱۷۹. [۳۳]
۶. ↑ جواهر الکلام ج ۲۶، ص ۴۳۱-۴۳۲. [۳۴]
۷. ↑ جواهر الکلام ج ۱۷، ص ۲۹۱. [۳۵]
۸. ↑ جواهر الکلام ج ۱۷، ص ۳۹۴. [۳۶]
۹. ↑ العروة الوثقی ج ۴، ص ۴۱۸-۴۱۷. [۳۷]
۱۰. ↑ العروة الوثقی ج ۱، ص ۱۷. [۳۸]
۱۱. ↑ العروة الوثقی ج ۱، ص ۲۶. [۳۹]
۱۲. ↑ التنقیح (الإجتهد والتقلید) ص ۹۵. [۴۰]
۱۳. ↑ العروة الوثقی ج ۲، ص ۷۲. [۴۱]
۱۴. ↑ العروة الوثقی ج ۲، ص ۷۶. [۴۲]
۱۵. ↑ مستمسک العروة ج ۱۰، ص ۱۹۱. [۴۳]
۱۶. ↑ العروة الوثقی ج ۲، ص ۷۶. [۴۴]
۱۷. ↑ مستمسک العروة ج ۷، ص ۱۰۹-۱۱۰. [۴۵]
۱۸. ↑ جواهر الکلام ج ۳۹، ص ۷۰. [۴۶]
۱۹. ↑ جواهر الکلام ج ۲۸، ص ۳۸۷. [۴۷]
۲۰. ↑ مستمسک العروة ج ۴، ص ۲۱۴. [۴۸]
۲۱. ↑ جواهر الکلام ج ۲۴، ص ۳۷۹. [۴۹]
۲۲. ↑ جواهر الکلام ج ۳۹، ص ۶۳. [۵۰]
۲۳. ↑ جواهر الکلام ج ۲۶، ص ۱۶۲. [۵۱]
۲۴. ↑ جواهر الکلام ج ۲۶، ص ۱۷۰. [۵۲]
۲۵. ↑ جواهر الکلام ج ۲۶، ص ۱۷۵. [۵۳]
۲۶. ↑ جواهر الکلام ج ۲۶، ص ۱۴۱-۱۵۲. [۵۴]
۲۷. ↑ توضیح المسائل مراجع ج ۲، ص ۵۰۶، م ۲۴۷۴. [۵۵]
۲۸. ↑ جواهر الکلام ج ۲۹، ص ۱۷۱-۱۷۲. [۵۶]

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۳، ص ۳۸۸-۳۹۰. [۵۷]

رده‌های این صفحه: **تقلید** | **صید و ذباجه** | **فقه**